

بیداری اسلامی بازتابی از نور انقلاب اسلامی (بر اساس نظریه نظام نوری شیخ اشراق)

امیرعلی کتابی^۱

چکیده

بیش از چهل سال است از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، انقلابی که بنا به گفته بنیانگذار کبیرش امام خمینی (ره) انفجار نور بود، انفجاری نوری که تشعشعات نورش بعد از گذشت چهار دهه؛ بهتر و ملموس‌تر می‌توان دید و حس کرد و عمق کلام امام بیشتر پی برد. هم اینک نه تنها جوامع اسلامی؛ بلکه جوامع غیرمسلمان را نیز از این نور بهره‌مند نموده است و نور اسلام را در دل‌ها تابانده است و خفتگان عالم را از خواب عقب‌ماندگی و کاستی‌ها موجود و رفع ظلم و ستم‌های جاری بیدار ساخته است. این بیداری که از آن در کشورهای اسلامی به بیداری اسلامی یاد می‌شود حاصل جنبش، قیام‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌های مختلف در سراسر جهان اسلام بود که گسترده‌ترین انقلاب برآمده از آن، انقلاب اسلامی است. ابعاد تأثیر نور انقلاب اسلامی بر بیداری عمیق و گسترده است. این تأثیرات در دو بخش تأثیرات کلی (جهانی) و تأثیر بنیادی در اکثر کشورهای مسلمان پدید آمده است و بر اساس یافته‌های کتابخانه و مصاحبه عمیق حال‌آیا می‌توان وضع موجود بیداری امت‌ها را تجلی از نور انقلاب اسلامی برشمرد؟

واژه‌گان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، جهان اسلام، مسلمانان، بازتاب نور.

۱- دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) a.ketabi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که کمتر کسی احتمال پیروزی آنرا می‌داد؛ چه برسد به تخیل قدرت و عظمت انقلاب اسلامی؛ آنهم در شرایطی که قدرت شرق و غرب جهان را در بر گرفته بود و جهان را به بلوک شرق و غرب تقسیم نموده بود. به ناگاه مردی با ایمان راسخ و اعتقاد کامل سخنی گفت که شاید به جرات بتوان گفت کسی در آن زمان پی به مفهوم آن نبرد و در گذر زمان عمق سخنش بر همگان آشکار شد و همچنان آشکار می‌شود.

سخنی بر گرفته از فهمی عمیق و علمی راستین بود. سخنی که انقلاب را انفجار نور نامید و همچنانکه نور همه گیر است، انقلاب اسلامی همه گیر خواهد شد.

انقلاب اسلامی در شرایطی اظهار وجود کرد که هیچکس تصورش را نداشت و زمانی پیروزی خود را جشن گرفت که چند ماهی قبل از آن، از ایران پهلوی به عنوان «جزیره امن» (آخرین سفر شاه، ۱۵۶-۱۵۵) یاد شده بود شرایط حاکم در نظام بین‌الملل هم به نفع حکومت پهلوی بود و شرق و غرب در حمایت از آن بودند. حال با تصور حکومتی بر گرفته از پشتیبانی شرق و غرب و بخصوص با حمایت‌های مالی، نظامی و اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا از طرفی و با پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم در جهان و کشورهای اسلامی عدم کارآمدی ایدئولوژی‌های برگرفته از دین بخصوص اسلام از طرفی دیگر، به ناگاه نوری از جنس حرکت در مسیر الهی مردی روح الهی با همراهی و ایستادگی مردمی خدائی تابیدن گرفت و به مرور زمان این نور قوت گرفته و با پیروزی انقلاب اسلامی به نقطه انفجار خود رسید و عالمی را به نور الهی خود منور ساخت و نظرات و ایدئولوژی‌های دیگر را زیر سوال برده است.

این حرکت که نخستین حرکت مردمی است که به دولت دینی اسلامی ختم شده است و چه به لحاظ نظری و چه اعتقادی، دارای سیاست، فکر و نظام برگرفته از خود است و راهکارها و سیاست‌های خاص خود را دارد (بازتاب، ۲۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ما شاهد پیامدهای در عرصه داخلی و عرصه بین الملل هستیم. در عرصه داخلی، محور و اساس حکومت از نظر اعلیاحضرت شاهنشاه به نظر خدای تبارک و تعالی (اصل یک قانون اساس جمهوری اسلامی ایران) تغییر کرد و این آغازی شد بر تغییرات اساسی. در جنبه دیگر در عرصه داخلی به تعبیر فوکو؛ پیروزی انقلاب اسلامی «انقلابی با دست‌های تهی» بود (ر.ک: ایران؛ روح یک جهان بی روح، ۴۱)

انقلابی که با توکل به خدا و اندیشه ناب دینی و اسلامی با دستان خالی، رژیم تا دندان مسلح را شکست داده بود و بقول معروف انقلاب پابرهنگانی بود که توانسته بودند معادلات شرق و غرب را بر هم زنند.

در عرصه بین الملل نیز ایران اسلامی نه تنها دیگر ژاندارم آمریکا در منطقه نبود بلکه به تقابل با سلطه غرب برخاسته بود و این باعث برهم خوردن معادلات منطقه و بین الملل شد. از جنبه دیگر در عرصه بین الملل، به علت ماهیت دینی که برگرفته از اسلام بود باعث تضعیف ایدئولوژی‌های حاکم بر جهان شده و بر قوت ایدئولوژی‌های دینی بخصوص اسلام افزود و باعث رویش، نمو و حرکت دوباره نظرات حکومتی اسلام در کشورهای جهان بخصوص کشورهای مسلمان شد.

پس از فروپاشی شوروی سابق و پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان در سراسر جهان، روز به روز ما شاهد تقابلی جدی‌تر بین اسلام و سکولار هستیم و این تقابل روز به روز عیان‌تر می‌شود و از طرفی غرب هر چند همچنان تنگ‌نظرانه و تک بعدی اما از

شناخت سطحی و محدود خود نسبت به تاثیر انقلاب اسلامی بر منافع سیاسی و اقتصادی فاصله می‌گیرد.^۱

بیداری اسلامی

بیداری متضاد خواب است و به معنای برخاستن چه به صورت برخاستن حقیقی و چه به صورت به هوش بودن و فعال بودن است، بعضا بیداری را متضاد غفلت معنا می‌کنند و بیداری یعنی آگاهی و هوشیاری و مترادف رستاخیز و نهضت و یقظه^۲. اسلامی به معنای فرمانبرداری، تبعیت و پیروی از آموزه‌های دین مبین اسلام که در نتیجه، بیداری اسلامی به معنای برخاستن برای اجرای فرامین و دستورات دین اسلام است و به بیان دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدیدحیات اسلام، معنا می‌دهد که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود و یا حیات می‌یابد. بیداری یا احیاگری اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است. البته نه آن اصلاح دینی اتفاق افتاده در غرب. در اصلاح دینی به معنا غربی، دین، به گونه‌ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد و در پی آن، جامعه، دینی نمی‌شود بلکه دین به قلمرو شخصی رانده می‌شود و در این صورت، دین از عرصه حیات اجتماعی بیرون می‌رود، اما بیداری و احیاگری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است و به همین دلیل، باید غبار از سیمای دین زدوده شود و صورت و سیرت دین هویدا گردد که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. به سخنی دیگر، بیداری اسلامی مهجوریت‌زدایی از دین یا بازپیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از

^۱ - Creating an Islamic State: Khomeini and The Making New Iran, P. 168.

^۲ - لغت نامه دهخدا، www.vajehyab.com

اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشست است (مفهوم شناسی بنیادگرایی اسلامی اثر غلامرضا بهروز لک منتشره در سایت باشگاه راسخون) بیداری اسلامی علی رغم تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، پیام واحدی به تاریخ، مخابره می‌کند که مضمون آن، این است که: ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و بیشتر اجتماعی انسان بازگردانیم. میل بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، اکتفا نکردن به دین به عنوان یک مسلک اخلاقی صرف و ورود دین به عرصه سیاست و اداره جامعه و در یک سخن، حاکم کردن اسلام بر همه شئون زندگی است. (نهضت بیداری اسلامی اثر حمید مولانا منتشره در سایت امت اسلامی)

نظریه نظام نوری شیخ اشراق

از مباحث مهم و بنیادین در فلسفه اشراق، نظریه نظام نوری است. کلمه اشراق عربی و از باب افعال است. مجرد این واژه شَرَق و شَرَقَ است، چنانچه گفته می‌شود اشراق الشمس. شرق یعنی طلوع خورشید، به همین دلیل آنجایی که خورشید طلوع می‌کند را شرق می‌گویند، بنابراین شرق یعنی طلوع خورشید، طلوع نور. نقطه آغاز نظریه نظام نوری، نفس انسان و هویت نوری آن است.^۱ در فلسفه اشراق، نفس مبدا قرار می‌گیرد و هویت نوری نظام هستی نیز بر این اساس، سامان می‌یابد. در نظام نوری که شیخ اشراق ترسیم می‌کند، نفس و مافوق آن، هویت نوری دارند و مادون آن که از حیات بی بهره‌اند، امری ظلمانی شمرده می‌شوند. بنابراین کل هستی در این دستگاه بر دو قسم است: ۱. حیاتمند ۲. بی بهره از حیات.

^۱ - مبدا بودن نفس از نظر تعلیمی و اثباتی است و الا در واقع مبدا نظام نوری نورالانوار است.

از مباحث مهم در فلسفه اشراق چینش و ترتیب موجودات عالم است که از نورالانوار شروع می‌شود. چرا که خدای متعال نور محض است و از هر ظلمتی پیراسته: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ (سوره نور، آیه ۳۵)

از نورالانوار، نوراقرب متجلی میشود و تمایز بین نورالانوار و نوراقرب در شدت و ضعف و کمال و نقص است. البته ذکر این مطلب هم لازم است که نور از نورالانوار در نهایت کمال ساطر می‌شود و قابل بر اساس ظرفیت خود از نور بهره می‌برد همانند بهره نوری بلور و مهره سیاه (بازتاب، ۹۶)

مراتب نور در نظام شیخ اشراق از نورالانوار شروع و به انوار مدبره و نفوس ناطقه انسانی که در نهایت تنزل قرار دارد ختم می‌شود.

مراتب بازتاب نور در نظام شیخ اشراق (بازتاب، ۱۲۱)

سهروردی؛ شرق را که محل زایش نور و خورشید است را سرشار نور و غرب را فرو رفته در ظلمات تعبیر می‌کند و برای همین برای بهره مندی از نور باید به سمت نور حرکت کرد و بر این اساس است که درجات و مراتب نور بر اساس فاصله با نورالانوار شکل می‌گیرد و هر چقدر به سمت نورالانوار باشد بهره بیشتری از نور و روشنایی دارد و هر چقدر از نورالانوار فاصله یابد به ظلمات نزدیکتر. عصاره این نگاه، جایگاه ویژه ای در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد که به آن اشاراتی خواهد شد.

سنخیت انقلاب اسلامی با نور

همانطور که گفته شد برای بهره مندی از نور باید به سمت نور حرکت کرد و این حرکت رفتار است و سمت نور هم معرفت. یعنی برای رسیدن به نور هم باید معرفت این را داشت که نور کدام سمت است و هم باید رفتار و حرکت به سمت نور را ایجاد نمود و الا بدون معرفت و بدون حرکت ما در ظلمات هستیم. بنابراین میزان معرفت ما و میزان رفتار و حرکت ما مرتبه ما را با نور مشخص می‌نماید و در نتیجه رفتار ما که برگرفته از معرفت نوری ماست، از نفس ناطقه به سمت نور و عالم نوری رسیده و نورانی می‌شود. در این مسر هدایت نورالانوار لازمه راه است که خداوند آنکه را که بخواهد با نور خود هدایت میکند (سوره نور، آیه ۳۵) و اهل ایمان را از ظلمات به سمت نور راهنمایی و هدایت می‌نماید (سوره بقره، آیه ۲۵۷)

ما در طول تاریخ جهان و معاصر ایران، شاهد رخدادها و رویدادهای دینی بسیاری هستیم که هر کدام تاثیر و بازتاب در جهان و ایران به جای گذاشته اند، اما تاثیری که انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت و جریان دینی داشته چه در عرصه جهانی و بین المللی

و چه در عرصه داخلی بی بدیل است. این بی بدیلی را می‌توان به اتصال به منبع قدرتمندی دانست که بر گرفته از دو خصیصه است: ۱. معرفت دینی مردم انقلابی یا معارف نوری که در سطح جامعه شکل گرفته بود و ۲. رفتار سردمداران دینی که از رفتار نوری سرچشمه گرفته دانست.

حال هر جامعه‌ای که تقارب و تشابه بیشتری با این انقلاب داشته تاثیر بیشتری گرفته و بازتاب نور انقلاب در آن جامعه بیشتر و ملموس‌تر است و بر اساس مطالب ذکر شده مقدار بازتاب نور به قابل آن نیز مربوط است و هر چقدر قرابت است بازتاب بیشتر و هر چقدر که افتراق است بازتاب کمتری داشته است.

انقلاب اسلامی انفجار نور

پیش‌بینی آرنولد جی. توینبی با نظریه پیدایش و سقوط تمدن‌ها در ۱۹۷۹ با انقلاب اسلامی ایران که انفجار نور بود، به وقوع پیوست. انقلابی متصل به نور و روح الهی و با تکیه بر شعارهای دینی با همراهی ستم‌کشیدگان و پابرهنگان و با دست‌خالی در برابر رژیمی قدرتمند و مسلح، با سردادن شعار الله اکبر کاه‌های ظلم را به لرزه انداخت و کاه‌نشینان را مجبور به فرار نمود. ارزش‌های اسلامی را سرلوحه خود قرار داد و قانون اساسی خود را بر پایه دستورات و فرامین اسلام را بنا نمود و به ضدیت نظام سلطه کم‌بست و توانست نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام و بلکه در کل تاریخ بشری گردد. انقلاب اسلامی، آن خفته را بیدار نمود و به سرعت در سراسر جهان اسلام گسترش پیدا کرد. هنوز دو سال از انقلاب نگذشته بود که در لبنان، عده‌ای جوان با

ایمان، پنج قدرت بزرگ^۱ آن زمان را که در آن کشور پایگاه داشتند را به زانو درآوردند و بدون دادن کوچک‌ترین امتیازی، آن‌ها را وادار به فرار کردند. امپراطوری انگلیس و شوروی در افغانستان نتوانست کاری از پیش برد و پس از مدتی مجبور به تسلیم و ترک افغانستان شدند. در آذربایجان، مصر، تونس، ترکیه، الجزایر و سایر کشورهای اسلامی، تنها بانگی که امروز بلند می‌شود ندای اسلام است و بانگ الله اکبر است که تنین انداز است و در فلسطین اشغالی، انتفاضه، امان را از صهیونیسم و امپریالیسم گرفته است.

دایره این بیداری از کشورهای اسلامی نیز فراتر رفته و بانک الله اکبر از خیابان‌های مینیاپولیس آمریکا به گوش می‌رسد (سایت باشگاه خبرنگاران جوان ۱۱ خرداد ۱۳۹۹) و اینک می‌رود که امپراتوری آمریکا را از حمله و اشغال افغانستان و عراق پشیمان نماید و به شکست آن کشور در این بخش از جهان منجر شود... بنابراین باید گفت: اگر آمریکا امروز به فکر تداوم اشغال در منطقه خاورمیانه است، هدف واقعی‌اش ضربه زدن به بیداری و آگاهی اسلامی است. در واقع، مسلمان‌ها بیدار شده‌اند و بر پایه سه اصل مهم، کار بزرگ خویش آغاز کرده‌اند: یکی، «بازگشت به اسلام ناب» که همین اسلام، در دوره‌های اولیه اسلامی توانست بر قدرت‌های بزرگ آن زمان غلبه کند، دوم، «وحدت جهان اسلام» است که امپریالیسم و استعمار، سالیان دراز سعی کرد با تکیه بر اصولی چون تفرقه بینداز و حکومت کن، بین فرقه‌های مختلف اسلامی فاصله بیشتر بیندازد. سوم، «استکبار ستیزی» و مقابله با کفر و الحاد و طاغوت و طاغوتیان زمان است. این حرکت یقیناً به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم خواهد شد (بیداری اسلامی، خودشناسی و دفاع از آن، اثر فهمی هویدی منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی) باید پذیرفت شعاع نور انقلاب

۱- آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل

اسلامی از کشورهای دوست و همسایه و مسلمان فراتر رفته است و هم اینک شعاع نور انقلاب اسلامی به دلیل اتصال به نورالانوار جهانی شده است.

بازتاب نور انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی را می‌توان در دویخش کلی و نشانه‌های عینی این تأثیر، پی گرفت. در بخش نخست، تنها به اثرات کلی انقلاب اسلامی بر هوشیاری مسلمان‌ها اشاره می‌شود و در بخشی که در پی آن می‌آید، به دو نمونه عینی، ملموس و پراهمیت از آثار انقلاب اسلامی بر جهان اسلام می‌پردازیم:

هوشیاری سیاسی: مردان و زنان ایرانی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، با ایجاد تشکل‌های متعدد انقلابی و خودجوش، باب ارتباط و تبادل آراء و تجارب با مردان و زنان در اقصی نقاط جهان را گشودند که این مسأله خشم و عکس‌العمل‌های تند بسیاری از محافل غربی را که در شعار و به دروغ، زن و مرد را فعال و حاضر در صحنه می‌خواهند، برانگیخت، ولی مردان و زنان ایرانی بدون توجه به برآشفتگی غرب، به صدور معنوی بیداری اسلامی ادامه دادند تا حدی که به برکت الگویی که انقلاب اسلامی برای حضور سیاسی اجتماعی مرد و زن ارائه داد، زنان لبنانی به تدریج به آن چه از دست داده بودند، آگاه شدند و آن را بار دیگر به دست آوردند. جنبش بیداری، زنان لبنانی را به کلاشینفک و بمب‌های مولوتوف مجهز کرد. زنان ترکیه هم برپایه بیداری اسلامی، هم حجاب را می‌خواهند و هم حضور در اجتماع را، یعنی این که زنان نمی‌خواهند با پذیرفتن حجاب از جامعه قطع رابطه نمایند و این همان الگویی است که زنان انقلابی ایران به آن عمل می‌کنند. به همین روی، یک زن بنگالی بر آن بود: زنان مسلمان چیزی بیشتر از برابری مورد

نظر قوانین غربی می خواهند و آن، این که خواهان ایفای نقش فعال تری در زندگی مذهبی و اسلامی هستند. (معصومه راغبی، چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه، ویژه نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴، همان، به نقل از: روزنامه ساندی تلگراف مورخ ۲۲/۸/۱۹۹۳) تنها زنان مسلمان نبودند که هویت اسلامی خود را در پرتو بیدارگری زنان انقلابی ایران بدست آوردند، بلکه ده هাজার زن غربی در نهضت اخلاقی و اسلامی، ارزش های الهی اسلام را کشف کردند و به دین اسلام مشرف شدند. مثلاً نزدیک به صد هزار نفر آلمانی به اسلام گرویدند که بیش از نیمی از آنان را زنان تشکیل می دهند، این زنان همانند زنان تازه مسلمان شده آمریکایی، نه تنها مراقب پوشش اسلامی خود هستند، در خورد و خوراک خود براساس اسلام هم دقت بسیار دارند، آن ها حتی در انتخاب برنامه های تلویزیونی، دقت زیاد به خرج می دهند، و اغلب از تماشای سریال های ضداسلامی یا ضداخلاقی اجتناب می کنند. فعالیت اجتماعی این دسته از زنان، معمولاً با گرد آمدن در خانه های همدیگر شکل می گیرد و گاه هم در بیرون از خانه، به دور هم جمع می شوند و به فعالیت های اجتماعی می پردازند (معصومه راغبی، چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه، ویژه نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴، نقل از: روزنامه ساندی تلگراف مورخ ۲۲/۸/۱۹۹۳)

اگر بخواهیم نمونه های از بازتاب نور انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی و کشورهای مسلمان و غیر مسلمان برشماریم می بایست به صورت مختصر و اجمال مواردی را ذکر نمائیم:

الگوی عملی حکومت اسلامی

یکی از تجلیات نور انقلاب اسلامی، نشان دادن الگوی عملی تشکیل حکومت اسلامی با حاکمیت قرآن و مشارکت مردم بوده است، و در پاسخی شد به سوال اینکه آیا می‌توان دین و ساست را جمع کرد؟

هم اینک جریان‌های اسلامی در میان مهم‌ترین گروه‌های سیاسی جهان قرار دارند. این جریان‌های مذهبی بر این اعتقادند که سیاست و مذهب ارتباط تنگاتنگ دارند. این باور متأثر از انقلاب اسلامی و نظریه جهان‌گرایی (تلفیق دین و سیاست در عرصه جهان) آن است. به بیان دیگر، از همان روزهای نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) نظریه جهان‌گرایی انقلاب اسلامی را به عنوان عالی‌ترین و وسیع‌ترین مظهر پیوند دین و دولت مطرح ساخت، وی براساس آموزه‌های دینی بر این باور بود: اراده مستضعفان سرانجام رهبری جهان را از آن خود خواهد کرد و حتی نوید می‌داد وعده خداوند بزودی تحقق خواهد یافت و محرومان جایگزین ثروتمندان خواهند شد. البته پی بردن به همراهی اسلام‌گرایی (دین) و جهان‌گرایی (سیاست) در اندیشه انقلاب اسلامی دشوار نیست، زیرا تأسیس امت اسلامی که می‌تواند مسلمانان را صرف نظر از ملیت‌های مختلف و نیز موانع قومی و سیاسی موجود به هم پیوند دهد، از ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی است. به علاوه، تأکید شدید انقلاب اسلامی به لزوم پیروی از کتاب مقدس (قرآن) و احکام اسلامی، شکی باقی نمی‌گذارد که این انقلاب در پی تحکیم جهانی اصول بنیادین اسلام در جهان است. این پدیده همان چیزی است که برخی از اندیشمندان مغرب‌زمین و از جمله هنیز در سال ۱۹۹۳/۱۳۷۲ آن را تجدید حیات جهانی مذهب (اسلام) خواند (یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۱، مبحث دین و سیاست) به همین دلیل (پیوند

خوردن مذهب و سیاست اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی) دولت آمریکا را بر آن داشت که اسلام گرایی را از عوامل نابودی جهان بخواند و فعالان مسلمان را به عنوان رزمندگان شرکت کننده در جنگ اسلام و غرب نام ببرد. رهبران اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز، ترس خویش از اسلام انقلابی الهام یافته از انقلاب اسلامی و خطرات آن برای شوروی را کتمان نمی کردند. بعدها یک تحلیل گر آمریکایی از این پدیده به عنوان انتفاضه جهانی یادکرد. نتیجه این که هم شرق و هم غرب، اسلام سیاسی (اسلام معتقد به پیوندین و سیاست) ناشی از انقلاب اسلامی را خطر عمده ای برای منافع خود تلقی می کردند، و هر کدام تلاش بسیاری انجام دادند تا از دشمنان جنبش های اسلامی سیاسی حمایت نمایند (ری کیلی و فیل ماریلت، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورانی بیدخت و محمدعلی شیخ علیان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۰، ۲۶۵) هانتینگتون در سال ۱۳۷۲/۱۹۹۳ و در راستای تعمیق بخشی به دشمنی غرب با اسلام سیاسی ملهم از انقلاب اسلامی، گفت: بلوک اسلامی که خود را رقیب کهن غرب می داند، خطر اصلی فرا روی نظم جهانی آمریکایی است که آن، دین و سیاست را جدا از هم می خواهد. در واقع بعد از مرگ کمونیسم، اسلام شخصیت اصلی سناریوی موردنظر آمریکاست. توجه شدید غرب به این مسأله، ظاهراً پاسخی است به آنچه که یک اندیشمند غربی (لارونس) در ۱۳۶۹/۱۹۹۰ آن را ضربه انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ ایران، شگفتی پدیده امام خمینی (ره) و دشواری کنار آمدن با اسلام گرایی ایرانی می خواند. از این رو، پس از انقلاب اسلامی مطالعات وسیعی برای شناخت رابطه بین دین و دولت الهام گرفته از انقلاب اسلامی در آمریکا به مرکزیت دانشگاه شیکاگو آغاز گشته است، ولی با هم دیدن و با هم خواستن دین و سیاست در دنیا (مانند جنبش الهیات رهایی بخش آمریکای لاتین) و به ویژه دنیای

اسلام (مانند حماس و حزب الله) به یک ارزش نهادینه تبدیل شده است (کیلی و مارفیلت، ۱۳۸۰: ۲۶۵) بیناز توپراک (نویسنده ای از کشور ترکیه) معتقد است: انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نمونه در مقابل دیگر کشورهای مسلمان تحت نوع امپریالیزم به مسلمانان جهان و همچنین به دولتهای جهان ثابت کرده که می شود یک دولت مستقل و آزاد از نفوذ ابرقدرتها و متکی بر منافع خود ساخت. ایران نشان داد که نه برتری نظامی و نه برتری تکنولوژی قادر به غلبه بر یک ملت متحد حول هدف و عقیده مشترک نیست (سیمای امام خمینی (ره)، ۷۳) مهمترین دلیل مخالفت غرب و شرق با ایران نیز ترس از این بوده است که مسلمانان دیگر جهان از نمونه ایران پیروزی کنند. انقلاب اسلامی در ایران زمانی به پیروزی رسید که مسلمانان سراسر جهان امید خود را به ایجاد یک جامعه واقعی اسلامی و یک دولت اسلامی از دست داده بودند، انقلاب ایران به رفتار ذلت بار جهان اسلام در قبال غرب پایان داد، رفتاری که برای دو قرن بر این کشورها مسلط بوده است به اضافه این نظر را که مذهب نمی تواند نیروی مهمی در جهان مدرن باشد، منسوخ کرد و ثابت نمود که اسلام توانایی بالقوه زیادی برای بسیج توده ها دارد.

* علامه شمس الدین (رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان): پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران به تقویت جایگاه و نقش مسلمانان در جهان منجر شد، انقلاب اسلامی دستاوردی از دستاوردهای راه شهادت و جانفشانی های شهدای آزادی است که با تقویت جایگاه امت اسلامی، به جامعه بین المللی ثابت کرد که اسلام قادر است دولتی تأثیرگذار و فعال تشکیل دهد (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص ۲۶۵) باید توجه داشت که انقلاب اسلامی و متعاقب آن تأسیس حکومت اسلامی در ایران، حتی موجب احیاء تفکر دینی در سطح برخی حکومتهای غیرمسلمان نیز شده است.

بیداری، امید و اعتقاد به نفس مسلمانان

یکی از تجلیات مهم انقلاب اسلامی که زمینه موثر و مهمی در جنبش احیای اسلام در بین مسلمانان جهان بود- اعتماد به نفسی بود که این انقلاب در بین مسلمانان ایجاد نمود، پس از قرن‌ها ضعف و تحمل انواع فشارهای مستقیم و غیرمستقیم استعمار قدیم و جدید، اکنون مسلمانان جهان به این باور رسیده اند در صورت اراده و خواست مسلمانان نه تنها می‌تواند مقابل کشورهای کفر و سلطه ایستاد بلکه میتوان آنها را به زانو درآورد و در تقابل بین مستضعفین و مستکبرین پیروز شد.

محمدالعاصی (امام مرکز اسلامی واشنگتن) در این زمینه می‌گوید: ... مهمترین درس انقلاب اسلامی ایران به مسلمانان جهان این بود که می‌توان از سلطه نیروهای خارجی رهایی پیدا کرد و قدرت تصمیم‌گیری را برای دستیابی به استقلال و شیوه تکامل یافته زندگی اسلامی به دست گرفت (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۲۶۶ و ۲۶۷) دیوید مناشری (نویسنده صهیونیست) می‌گوید: انقلاب ایران در افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان، چه سنی و چه شیعه، بدون توجه به ملیت و یا تمایلات سیاسی آنها نقش داشته است. از اندونزی تا جوامع اسلامی در غرب، پیروزی انقلاب ایران در حکم پیروزی اسلام بوده و توانایی بالقوه اسلام را برای رهبری مردم سرکوب شده، جهت مقابله با رژیمهای فاسد و استعمار خارجی مشخص کرده است (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص ۲۶۸) دستاوردهای انقلاب اسلامی باعث افتخار مسلمانان است. این انقلاب برای مسلمانان جهان سربلندی کسب کرد، آنان را بیدار ساخت، به آنان جرأت مبارزه آموخت و امکان تحقق عملی آن را به عین نشان داد (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۲۶۸)

سیدمحمد باقر صدر (متفکر برجسته و مجتهد بزرگ اسلامی شیعیان در عراق) می‌فرمایند: در خود احساس عزت و افتخار بسیار می‌کنم و این احساس سراسر وجودم را فراگرفته است. آنگاه که با این ملت عظیم، ملت مسلمان ایران سخن می‌گویم. ملتی که با جهاد و خون و دلاوری‌های بی‌نظیر خود تاریخ اسلام را از سرنوشت و تجسم و تجلی زنده و گویایی از روزهای نخستین اسلام با همه درخشانی‌هایش و نشانه‌های شجاعت و ایمان آن روزها گردید (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۲۶۸)

سکستن ابهت ابرقدرتها و مبارزه عملی با استکبار جهانی

پس از گذشت چهل و اندی سال از پیروزی انقلاب اسلامی آمریکا کوچکترین توفیقی در مبارزه با این انقلاب نداشته است. یک سناتور آمریکایی چند ماه قبل اعتراف کرده است: لطمه‌ی که انقلاب ایران به حیثیت جهانی ما وارد کرده است، چندین برابر شوروی (سابق) است. ما در جنگ سرد با شوروی مرتباً پیش می‌رفتیم اما هرچه برای سرنگونی این کشو کوچک! (ایران) به کار می‌بندیم، نتیجه عکس می‌گیریم. ما مصمم به تداوم این تهاجم هستیم، تا زمانی که آنها را (ایرانیان) را به زانو درآوریم یا خودمان به زانو در آییم. (امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۲۷۴)

حیدر جمال اسلام شناس مشهور و رهبر کمیته روسیه می‌گوید: مسلمانان روسیه باید به مقابله با فرهنگ غربی در کشورشان برخیزند و ما از شعار نه شرقی و نه غربی امام خمینی (ره) پیروی می‌کنیم (روزنامه کیهان، شنبه، ۱۳/ بهمن/ ۷۵)

مصاحبه با استاد "معصم حماره" سردبیر هفته‌نامه فلسطینی "الحریه": انقلاب اسلامی ایران نقش بسیار به سزائی در رشد اعتقادات و آگاهی دینی در تمام دنیا به ویژه جهان

اسلام داشته است. یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران بازگرداندن چهرهٔ ظلم ستیزی و آزادی بخش به اسلام بود. انقلاب اسلامی ایران مقابله با قوای استعمارگر را در جهان آغاز کرد... انقلاب ایران طریق درست طرز تفکرهای اسلامی و مبارزاتی را سامان بخشید... انقلاب مانع از غارت و چپاول ثروت ملت‌های منطقه شد و شاخصهای جهل و فقر را کاهش داد... انقلاب [اسلامی ایران] به جنبش‌های آزادی بخش خط و جهت داد و این برای استکبار قابل تحمل نبود... و در پایان این که انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های گروه‌های آزادی بخش در راستای مبارزه با قوای ستمگر و اشغالگر در سنگر واحد در حرکت است (روزنامه کیهان، دوشنبه، ۱۵/بهمن/۷۵)

مصاحبه با دکتر ترکی صفر مدیر مسئول روزنامه البعث: انقلاب اسلامی باعث رشد روند مبارزه مقدس در برابر تهدیدات ظالمانه ستمگرانی شد که همواره در تلاش برای تضعیف و به استعمار درآوردن ملت‌های مظلوم بوده اند بی شک انقلاب اسلامی ایران بسیاری از ملت‌ها را در برابر توطئه‌های استکبار بیمه کرد و جرقه‌ای در میان آنها ایجاد نمود که با قدرت در مقابل تهاجم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خطرات ناشی از آن ایستادگی نمایند. انقلاب اسلامی سبب حفظ هویت مسلمانان برای دفاع از استقلال، آزادی و حاکمیت بر سرزمین و همه متعلقات آنان شد. این انقلاب باعث کوتاه شدن دست چپاولگران از غارت منابع و ثروت ملت‌های مظلوم شد (روزنامه کیهان، دوشنبه، ۱۶/بهمن/۷۵)

تجدید حیات نهضت‌های آزادی بخش

انقلاب اسلامی به دلیل پیروی از رهبر استکبار ستیز و سازش ناپذیر خود، حضرت امام خمینی (ره)، و استراتژی مبارزاتی که آن حضرت پیش روی ملت تحت ستم ایران قرار داد، به

پیروزی رسید این پیروزی به راستی شگفت‌انگیز بود و شور و اشتیاق عجیبی در بین ملت‌های تحت ستم، نهضت‌های آزادی‌بخش و تمام آزادی‌خواهان جهان به وجود آورد این نهضت‌ها، اعم از نهضت‌های آزادی‌بخش در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی بود.

الحاجی سرداودجاورا (رییس جمهور گامبیا): جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند و این بدان خاطر بود که انقلاب شما، انقلابی واقعی بر ضد دشمنان قوی (اعم از داخل و خارج) مانند آمریکا بود (حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۲۹۳)

انقلاب اسلامی به مبارزه با صهیونیسم و حمایت حقیقی از آرمان فلسطین

انقلاب اسلامی از ابتدای شکل‌گیری، حمایت از مردم مظلوم فلسطین را جزئی مهم از آرمان‌های حمایت از مسلمانان مظلوم جهان قرار داده بود و پس از پیروزی تاکنون نیز این آرمان را با صلابت ادامه داده است. انقلاب و رهبر کبیر و عالی قدر آن همواره به سیاست آزادی و احقاق حقوق مردم فلسطین تأکید نموده و این راه پس از ارتحال امام امت (ره) توسط نایب برحقش مقام معظم رهبری با همان قدرت و صلابت ادامه دارد.

انقلاب اسلامی ایران انگیزه اصلی خیزش و رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی، به ویژه در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن محسوب می‌شود. شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جنبش جهاد اسلامی، می‌گوید: «انقلاب امام خمینی، مهم‌ترین و جدیدترین تلاش در بیدارسازی اسلامی برای اتحاد ملت‌های مسلمان بود». شهید دکتر فتحی شقاقی (دبیرکل سابق و بنیانگذار حرکت جهاد اسلامی فلسطین) می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران تأثیر مهمی بر جنبش‌های اسلامی در همه جا، و از جمله جنبش‌های اسلامی اراضی اشغالی (فلسطین)

داشت، این انقلاب آمد تا دلیلی بر امکان پیروزی اسلام بر ظلم و قهر و برپایی دولت اسلامی ارائه دهد. انقلاب اسلامی نمونه ای برای تمام جنبشهای اسلامی گردید. وی در جایی دیگر می گوید: هیچ چیز به اندازه انقلاب امام خمینی (ره) نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دلهایشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، ما به خود آمدم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند (کتاب حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۳۱۰) برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر می نویسد: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران امام خمینی، یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرده است. (دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ۱۱۴)

حمیم هرزوگ (رییس جمهور وقت رژیم صهیونیستی) طی نامه ای به یهودیان آمریکایی معترض به سیاستهای آن رژیم در برخورد با فلسطینها که در روزنامه معروف «نیویورک تایمز» به چاپ رسید، نوشته است: تظاهر کنندگان فلسطین اشغالی از طرفداران تفکر [حضرت امام] خمینی (ره) می باشند و هیچ ارتباطی به سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) ندارند، این جوانان می خواهند خیابانهای اسرائیل را به خیابانهای "تهران" و "بیروت" تبدیل کنند. اگر تظاهرات فلسطینها با همان تفکرات قبلی بود، خطری در برنداشت و علت شدت عمل رژیم اسرائیل در مقابل آنها این است که قیام، تغییر ایدئولوژی داده و الهام بخش آن اسلام است (حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۳۱۳ و ۳۱۲). جدیش کردنیکل (یکی از ارگانهای یهودی پاپ لندن) نیز در این خصوص نوشت: احساس بازگشت به اسلام در "غزوه" احساسی است که در ایران اوج

گرفته است و آنچه اکنون در سرزمینهای اشغالی روی می‌دهد، همان جریان‌اتی است که قبلاً در جریان انقلاب اسلامی رخ داده است (حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ۳۱۲)

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم، ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسو الله (ص) را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های در بند شاهد آن خواهد بود انشاءالله (کتاب امام خمینی (ره) و احیای تفکر اسلامی، ۲۷۲)

دلایل تاثیر نورانیت امام خمینی بر بیداری اسلامی

امام خمینی (ره) به عنوان کسی که انقلاب اسلامی را با نام او می‌شناسند و معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران است، چه قبل از پیروزی و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ با تلاش و دعوت از جوامع ستم‌دیده بشری بخصوص دولت‌ها و ملت‌های مسلمان سعی بر بیداری ملت‌ها داشتند. اینک پس از گذشت سالها ما شاهد تاثیرگذاری این تلاش‌ها هستیم. دلایل بر این ادعا به صورت مختصر و اجماع به قرار ذیل است:

۱. تاثیر کم نظیری که وجود حضرت امام خمینی از جنبه دینی و اسلامی بر مسلمانان گذاشته است. در واقع، از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام،

شخصیتی را نمی بینیم که این همه، نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب (لیبرالیسم)، جهان شرق (کمونیسم) و جهان اسلام تأثیر گذاشته باشد. ۲. دومین دلیل بر تأثیر، شکسته شدن دیدگاه مادی شرق و غرب با دو ایدئولوژی کمونیسم و لیبرالیسم است که حضرت امام خمینی، مفهوم و معنای قدرت را در سطح جهانی و نیز، در جهان اسلام، تغییر داد. معنای قدرت که بر منابع مادی تکیه داشت؛ پس از انقلاب اسلامی ایران و تأثیر گفتمان حضرت امام بر جهان، معنا و تعریف قدرت از تکیه بر منابع ملموس (مادی) به غیرملموس (معنوی) از قبیل عقاید، پرورش افکار و اطلاع رسانی، تغییر پیدا کرد.

۳. در طول ۸۰۰ سال گذشته شخصیتی نداریم که با تفکرات دینی و وجهی علمی انقلابی نماید و ملتی را رهبری کند، همه و حتی مخالفینش، مشروعیت و مقبولیت او را کاملاً تصدیق کنند و به تعبیر دیگر؛ نظیری برای مشروعیت سیاسی و دینی امام در سطح جهان و در قرون اخیر نمی توان یافت.

۴. امام خمینی، تنها به امت و تمدن اسلامی و نجات آن از گمراهی و عقب ماندگی مادی و معنوی نمی اندیشید بلکه در فکر نجات همه ملت‌ها و تمدن‌ها بود. پیامش به گورباچوف و پاپ، گویای دغدغه انسانی و الهی وی در نجات انسان‌ها و فرهنگ‌هایی بوده که از جاده هدایت انسان به سوی سعادت دنیا خارج شده بودند. این دلسوزی، ارتباط و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را با سایر بخش‌های جهان برقرار کرد.

۵. امام خمینی هم بر جهان شمولی نهضت اسلامی مردم ایران تأکید می کرد و آن را تنها مختص مسلمانان جهان نمی دید و هم، جهان شمولی الگوهای غربی را رد می نمود و توانایی الگوهای غربی را برای هدایت و نجات انسان‌ها نمی پذیرفت در حالی که در میان خیلی از

متفکرین مسلمان، این اصرار (جهان شمولی اسلام) و این نوع نظریه پردازی (ناتوانی غرب در اداره جهان) به چشم نمی آید.

۶. امام خمینی تنها متفکری است که در پنج یا شش قرن گذشته، هم به نظریه پردازی انقلاب پرداخته و هم خود آن را به عرصه عمل آورد. در تاریخ، کمتر می یابیم انسان هایی را که هم بنویسند که چرا باید انقلاب کرد و بعد خودشان، به میدان آیند و انقلابی که از آن سخن می گفتند را پدید آورند. در حقیقت، پیوند نظر و عمل، از دلایل مهم موفقیت امام در برپایی انقلاب اسلامی است. بهره گیری از دین در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهم ترین تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر جنبش گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است در حالی که قبل از آن و در فضای جهانی آلوده به لیبرالیسم و کمونیسم، کمتر کسی به توانایی دین در پدیدآوری انقلاب ایمان داشت. برپایه تکیه بر دین به مفهوم فوق، مفاهیم قدرت دگرگون شد و مسلمانان دریافتند، قدرت واقعی تکیه بر قدرت الهی است و به کمک چنین قدرتی می توانند به حقوق از بر بادرفته خویش دست یابند. امام خمینی به همه مسلمانان و مستضعفان نشان داد، تنها راه دست یابی به: مشروعیت و مقبولیت، زندگی ساده و بی آلایش، نجات انسان ها و تمدن ها و ترکیب سازی نظر و عمل برپایه آخرین دین الهی یعنی اسلام است. دینی که برای همه جهان، برنامه و سخن دارد. به دیگر سخن، امام و انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان دادند که تنها راه نجات، اسلام است و این رمز بیدار شدن جهان خسته از گمراهی مسلک ها و مکتب های دیگر است (انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیر گذاری و نمونه ها)

نتیجه گیری

بیداری را برخاستن، نهضت، ظهور معنی کردند و بیداری را مقابل خفتن و ظلمات می-توان دید. انقلاب اسلامی ایران به علت ماهیت دینی، الهی و نورانی دارای منشاء نور و نورانیت است، چرا که به نورالانوار متصل گشته و نور خود را از آن می‌گیرد و خاصیت نور در روشنایی و رفع ظلمت است.

نور انقلاب اسلامی چنانکه باعث بیداری در محدوده جغرافیایی خود نموده است به علت خواست دین و سیاسی، اسلام به عنوان تنها راه مبارزه و میل به حکومت اسلامی را در جهان

انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، به علت ماهیت اسلامی خود ارزش‌هایی چون حجاب، پیوند دین و سیاست، اسلام به عنوان تنها راه مبارزه و میل به حکومت اسلامی را در جهان زنده و یا خلق کرد، بدون آن که ناچار شود و یا نیازی ببیند در این راه به اقدام فیزیکی (نظامی) متوسل گردد. این مسأله نشان می‌دهد که ارزش‌های اسلامی به دلیل انطباق با فطرت انسانی، در توسعه و تعمیق تنها به یک احیاء کننده نیاز دارد، البته ارزش‌های ناشی از انقلاب اسلامی در سرزمین‌های اسلامی بیش از ممالک اثر گذاشت و گسترش یافت، بی‌شک یکی از مهم‌ترین علل آن، وجود عنصر اسلام و وجوه مشترک فراوان بین اسلام کشورهای اسلامی و اسلام در ایران انقلابی است از جمله در لبنان و فلسطین. الف- حزب الله به شدت تحت تأثیر امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری قرار دارد. در واقع برجسته‌ترین تأثیر خارجی انقلاب اسلامی را می‌توان در چهره و وجود حزب الله دید. چرا انقلاب اسلامی به این میزان بر جنبش اسلامی حزب الله تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به این سؤال، مباحث زیر را مرور می‌کنیم:

بین ایرانیان و لبنانی‌ها، علقه‌های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل با ایران دوران صفویه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلند آوازه ایرانی امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات برجای مانده از او یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، وجود دشمن مشترک (اسرائیل) حمله اسرائیل به جنوب لبنان، کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جای دیگر، در لبنان تأثیر بگذارد. این تأثیر، در زمینه‌های متعددی مشاهده می‌شود. در زمینه فرهنگی، تعداد زیادی از تصاویر بزرگ امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در نقاط مختلف لبنان به چشم می‌خورد. بر روی دیوارهای آن کشور، عکس شهدایی دیده می‌شود که جان خود را در راه مبارزه علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی (دشمن شماره یک ایران) از دست داده‌اند. مردان با ظواهر اسلامی در خیابان‌ها در رفت و آمد هستند. زنان ملبس به حجاب اسلامی‌اند و در اجتماعات عمومی، جایگاه نشست و برخاست زنان از مردان جداست، و مردم لبنان از ایران به عنوان یک دولت انقلابی و اسلامی حمایت می‌کنند (دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران)

در لبنان، حزب الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرف شده است. این انگیزه‌ها را می‌توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک‌های ایران به حزب الله دید. هم چنین، حزب الله از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌های تحصیلی به

مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان، ارائه خدمات درمانی به محرومان، البته در پرتو حمایت ایران، به شدت فعال است. در عین حال، از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست. بلکه برپایه اصل جهاد، همواره آماده پاسخ گویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است، و در این باره، اعضای حزب الله لبنان براساس شعار اسلامی امام خمینی (ره) یعنی اسرائیل باید از بین برود، قسم یاد کرده اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. در بعد فرهنگی، حزب الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل های انقلاب اسلامی را سمبل خود می داند. پیروزی حزب الله در دوده از فعالیتش علیه اسرائیل، در مقایسه با فعالیت ۴۰ و ۵۰ ساله ساف، نشان از سودمندی استفاده از شعارهای اسلامی و به کارگیری جهاد مقدس علیه اشغال گران و عدم اتکاء به کشورهای دیگر در مبارزه ضداسرائیلی دارد.

حزب الله لبنان در بعد سیاسی هم به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است، رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته. به همین جهت از مواضع منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران حمایت به عمل می آورد، و در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان است. یکی از رهبران جنبش اسلامی لبنان بر عقیده است: «ما به جهان اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست. دین ما، ملکه ما، خون ما و شریان حیات ماست.

اولاً، به مبارزه رنگ اسلامی زد، شعارهای اسلامی برگزید، جهاد علیه اشغال گران را اعلام و ادامه داد.

ثانیاً، بدون اتکاء به کشورهای دیگر، مبارزه خود را اداره کرد و آن را به انجام رسانید. که هر که یک از این دو علت توفیق نیز، برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است.

ب- بیداری اسلامی در فلسطین نیز، مرهون بازتاب نور انقلاب اسلامی است. همچنین، سهمی قابل توجه از بیداری اسلامی در فلسطین، متأثر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین است که پذیرش مقامات بلندپایه فلسطینی در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، تبدیل کنسول گری اسرائیل به سفارت فلسطین، اعطای لقب سفیر به نماینده ساف در ایران، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس، ارائه کمک‌های مالی و انسان دوستانه، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دیپلماتیک و سیاسی از جنبش فلسطین، مخالفت با طرح‌های سازش و صلح خاورمیانه و تأسیس صندوق حمایت از مردم فلسطین، بخشی از این اقدامات به شمار می‌رود.

بنابراین، انقلاب اسلامی برداشتی نوین از اسلام و قرآن در جوامع اسلامی و نیز در جامعه سنی مذهب فلسطین پدید آورد؛ چنان که روند مخالفت با دولت‌های فاسد و سرکوب‌گر را تشدید کرد، به مبارزه آشکار علیه آموزه‌های تحمیلی ضددینی دامن زد، تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را شدت بخشید، واکنش مسلمانان در برابر غرب و غرب زدگی را توسعه داد و یأس و ناامیدی سال‌های پایانی دهه ۵۰ تا ۷۰ را از میان برد. یکی از مهم‌ترین علت‌های ناکامی ساف در مبارزات ضداسرائیلی نیز، برخوردار نبودن از درک شرایط نوینی بوده است که انقلاب اسلامی در جهان آفرید. ولی به عکس ساف، حرکت اسلامی نوین فلسطین، شیوه‌های انقلاب اسلامی را مبنای مبارزات ضد صهیونیستی خویش قرار داده است. شیخ اسعد تمیمی، از رهبران جنبش فلسطینی، بر آن است که تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد اعراب علیه اسرائیل غایب بود و حتی مسلمانان در عرصه واژگان، مثلاً به جای واژه جهاد از واژه‌هایی همچون نضال (مبارزه) و کفاح (پیکار) بهره می‌جستند و انقلاب ایران، این حقیقت را که اسلام راه حل و جهاد وسیله اصلی است، به

سرزمین فلسطین برد. شیخ عبدالله شامی، چهره برجسته اصول گرای فلسطینی می گوید، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اثری ژرف بر انقلاب و بر مردم فلسطین داشته است و پس از آن مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی فلسطین به قرآن و سلاح نیازمندند. این اندیشه، نخست در حرکت جهاد اسلامی فلسطین راه یافت و سپس همین سازمان بذر آن را در سرزمین فلسطین افشاند.

منابع

- ۱) امام خمینی (ره) (۱۳۶۹). فلسطین از دیدگاه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲) احمدی، حمید (۱۳۶۹). انقلاب اسلامی و جنبش اسلامی در خاورمیانه عربی، «مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم»، تهران: سفیر.
- ۳) اکبری، محمدرضا (۱۳۷۸). سیمای امام خمینی (ره)، چاپ هفتم، تهران: انتشارات پیام عترت.
- ۴) امیدوار، احمد و یکتا، حسین (۱۳۷۹). حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی.
- ۵) جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۴). «ارتباط انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق»، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۲، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۶) حکیمی، محمد (۱۳۸۱). «جهانی‌سازی اسلامی و جهانی‌سازی غربی»، فصل‌نامه کتاب نقد، شماره ۲۴-۲۵، پاییز و زمستان.
- ۷) دهکردی، حسین (۱۳۸۰). «انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر»، فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱۴، تابستان.
- ۸) رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- ۹) شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیر گذاری و نمونه‌ها»، فصل‌نامه مریان، اردیبهشت.
- ۱۰) فتحی شقاقی، ابراهیم (۱۳۷۱). انتفاضه طرح اسلامی معاصر، ترجمه انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران: هدی.
- ۱۱) فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷). رهیافت‌های نظری برانقلاب اسلامی، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- ۱۲) فوزی، یحیی (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: نشر معارف.
- ۱۳) کیپل، ژیل (۱۳۷۰). اراده خداوند: یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در راه تسخیر دوباره جهان، ترجمه عباس آگاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- ۱۴) محمدی، منوچهر (۱۳۹۹). بازتاب (بازتاب انقلاب اسلامی بر جوامع بشری)، قم: نشر فرشتگان فردا، چاپ اول.

۱۵) هویدی، فهیمی (۹۵/۸/۲۴). بیداری اسلامی، خودشناسی و دفاع از آن، منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۶) وایت، بریان، لیتل، ریچارد و اسمیت، میشل (۱۳۸۱). دین در جهان، ترجمه منیژه جلالی، روزنامه همشهری، ۲۰ فروردین.

۱۷) ورعی، سیدجواد (۱۳۸۰). امام خمینی (س) و احیای تفکر اسلامی، تهران: نشر عروج.

18) <http://www.vajehyab.com/motaradef/%D8%A8%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C>

19) <https://www.yjc.ir/fa/news/7374043>